

مبانی فقهی نکاح موقت و ثبت آن

ریحانه ایزدی^۱، مصطفی رجائی پور^۲

^۱ دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

ریحانه ایزدی

reihanehizadi@gmail.com

چکیده

مسئله نکاح موقت و حلّیت و حرمت آن در شریعت اسلام از جمله احکام فقهی و حقوقی است که از زمان خلفا مورد مناقشه بوده است. علمای مذاهب پنجگانه اسلام با شرایط علمی، شرایط زمانی و مکانی متفاوتی که مواجه بودند و مبانی و ابزارهای استنباطی مختلفی که داشتند، در مورد مسائل عدیده از جمله نکاح موقت، باهم اختلاف نظر داشته اند که هر گروه دلایلی را اعم از کتاب و سنت بر مدعای خود اقامه کرده اند.

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با پیروی از مذهب تشیع نکاح موقت را شرعی و قانونی می داند، لذا به منظور تحکیم روابط خانوادگی با وضع قوانین حمایت از خانواده، ثبت نکاح دائم را مطابق قوانین موضوعه الزامی دانسته است و برای عدم ثبت آن مجازات تعیین گردیده است. آنچه در خصوص این قانون اخیراً نوآوری داشته، الزامی شدن ثبت نکاح موقت است، چراکه در گذشته چنین الزامی وجود نداشت و همین امر مشکلات متعددی را به خصوص برای فرزندان حاصل از اینگونه ازدواج به وجود آورده بود. به همین منظور قانونگذار ثبت ازدواج موقت را با شرایطی الزامی دانسته است، که در این مقاله، شرایط مذکور و مبانی فقهی نکاح موقت و همچنین شرایط ثبت آن، بررسی شده است.

واژگان کلیدی: نکاح، نکاح موقت، ثبت نکاح، ازدواج موقت.

مقدمه

ازدواج موقت از صدر اسلام تا کنون همیشه از مسائل شبهه برانگیز و اختلافی بین فرق مختلف بوده که عده ای آنرا تحریم کرده و عده ای قائل به حلیت آن شدند و هر گروه برای اثبات مدعای خود دلایلی را ذکر کرده اند. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار می‌دهد. لذا قانون‌گذار افراد را به ثبت وقایع و اعمال حقوقی در دفاتر رسمی مربوط ملزم کرده است و در برخی موارد در صورت تخلف، مجازات‌هایی را تعیین کرده است. اما در خصوص ثبت ازدواج موقت پس از تصویب لایحه حمایت از خانواده در ماده ۲۲ لایحه تقدیمی «ثبت ازدواج موقت» را با شرایطی الزامی نمود. هدف از این مقاله بیان مبانی فقهی نکاح موقت از نظر موافقین و مخالفین و همچنین ضرورت ثبت آن است.

تعریف نکاح

نکاح بنا به نظر اکثریت اهل لغت به معنای جمع شدن وضمیمه شدن دو چیز است و کلمه نکاح در معنای عقد و یا وطی هر دو به صورت مجاز می‌باشد ودر هیچ یک از این دو مورد استفاده حقیقی نشده است. (فیروزآبادی، بی تا، جلد ۴) در اصطلاح مشهور فقها، نکاح حقیقت در عقد است و با اعتقاد به ثبوت حقیقت شرعی، استعمال نکاح در معنای عقد به صورت حقیقی ودر وطی به صورت مجاز خواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۹۲ ش، ص ۳۵) مراد از این کلمه زن و مردی هستند که به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با هم متحد می‌شوند. (شمس الدین، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۸)

اقسام نکاح

نکاح بر دو قسم است: دائم و منقطع یا موقت. نکاح دائم آن است که مدت زناشویی در آن به هیچ وجه محدود نباشد و زنی را که به این قسم عقد می‌کنند «دائمه» می‌گویند. اما عقد منقطع آن است که مدت زناشویی در آن معین شود، مثلاً زن را به مدت یک روز یا یک ماه یا یک سال یا بیشتر عقد نمایند و زنی را که به این قسم عقد کنند «متعّه» و «صیغه» می‌نامند. (شمس الدین، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۸) در انجام وظایف زناشویی بین این دو گونه نکاح هیچ تفاوتی وجود ندارد، اما هر یک از آنها آثاری دارند. از جمله در نکاح دائم اصلاً قید زمانی ندارد و تا آخر عمر است اما در نکاح منقطع حتماً باید قید زمان را مطرح کنند که مورد بحث ما در اینجا نکاح موقت یا منقطع است که نوعی از ازدواج در مذهب شیعه است که در آن عقد ازدواج برای مدت معین و محدودی با مهریه‌ای معلوم، بین زن و مرد بسته می‌شود و با پایان یافتن مدت مورد قرارداد، رابطه زوجیت خودبه‌خود منقضی می‌شود. (صفائی، و امامی، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۴) از تفاوت‌های نکاح منقطع با نکاح دائم در قانون می‌توان به عدم حق نفقه برای زن مگر در صورت شرط (ماده ۱۱۱۳ ق.م.)، عدم توارث (ماده ۹۴۰ ق.م.)، لزوم ذکر مهر معین (ماده ۱۰۹۵)، اشاره کرد. ویژگی‌های دیگری نیز برای نکاح موقت ذکر شده از جمله: نکاح با باکره به صورت منقطع مکروه بوده و شرط عدم دخول در چنین نکاحی صحیح می‌باشد (اسکافی، ۱۳۸۲: ص ۲۰۳). آیین نامه مصوب ۱۳۱۱ نیز در ماده ۷ با اشاره به عقد موقت، چگونگی ثبت بذل مدت را مشخص نمود و مقرر داشت: «در مورد عقد انقطاعی در صورتی که زوج حین مدت بخواهد از بقیه مدت صرف‌نظر کند، باید نزد صاحب دفتر حاضر شده و بذل مدت در ستون ملاحظات دفتر و ورقه عقدنامه نوشته و به امضای صاحب دفتر و زوج رسانده شود و سواد (رونوشت) از آن توسط اداره ثبت محل برای زوجه ارسال گردد».

نکاح موقت در قرآن

آیه ای که در قرآن برحلیت نکاح موقت اشاره دارد آیه ۲۴ سوره نساء است که می‌فرماید: "فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً"

و زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یک دیگر توافق کرده‌اید. (بعداً می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید.) آیه شریفه از آیات مدنی است که در سال‌های اولیه هجرت در مدینه بر پیامبر نازل شده است. در آن روزگار مسلمانان ازدواج موقت داشتند، ولی برخی از آنان مهریه را نمی‌پرداختند. پس آیه نازل شد که وقتی از آنان بهره گرفتید، مهریه شان را حتماً بپردازید. (ضمیری، ۱۳۸۴: ص ۲۸۵)

خداوند در این آیه این انحراف را تذکر می دهد و می گوید اگر ازدواج موقت کردید اجرت زن را حتماً پرداخت کنید. آیه شریفه تنها در مقام بیان جواز شرعی و حلیت و شرایط صحت این ازدواج است و از آن جا که این ازدواج در بین مردم پیش از اسلام بوده است خداوند این ازدواج را همچنان حلال معرفی می کند و با بیان شرایطی آن را تصحیح می کند. (همان)

آثار و ارکان نکاح موقت

نکاح موقت دو رکن دارد: زمان معین و مهریه معین.

عدم وجود این دو رکن نکاح موقت را باطل می کند. نکاح موقت دارای مهریه است اما مستحق نفقه نمی باشد مگر اینکه در حین عقد شرط کرده باشد. (مکی عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۲) نکته دیگر ارث است. فرزند چنین ازدواجی -چه پسر یا دختر- ملحق به پدرمی شود و به نام او خوانده می شود و او از پدرارث می برد کمااینکه از مادرهم ارث می برد. تمام احکام عمومی که در مورد پدران و فرزندان و مادران و همچنین در مورد برادران و خواهران و عموها و عمه ها وارد شده، در مورد این گروه نیز جاری می شود.

مقدار مهریه در ازدواج موقت بسته به توافق طرفین است. مهم ترین ویژگی آن تعیین مدتی است که با اتمام آن ازدواج بدون نیاز به طلاق به پایان می رسد. این مدت حداقل و حداکثری ندارد. ایجاب در ازدواج موقت مانند ازدواج دائم است و با یکی از الفاظ سه گانه (انکحت، زوجت، متعت) واقع می شود بر اساس نظر مشهور این ایجاب و قبول در صورت توانایی تلفظ واژه های عربی حتماً باید به زبان عربی گفته شود. (مکی عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۲)

در مورد مدت زمان نکاح خاص معتبر نیست. برخی فقها مانند محقق حلی معتقدند اگر مدت در زمان عقد تعیین نشود قرارداد خودبه خود به ازدواج دائم تبدیل شده است. (محقق حلی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۸۸)

اما بر اساس نظری دیگر در این صورت با توجه به قاعده «ما وقع لم یقصد و ما قصد لم یقع» عقد موقت بدون ذکر مدت باطل است و زوجیتی برقرار نشده است. این نظر در بین حقوق دانان مقبول تر است. فقهایی چون شهید ثانی و علامه حلی هم این نظر را داشته اند. (مکی عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۲)

همچنین طلاق در متعه وجود ندارد و انقضای آن با پایان مدت یا بذل مدت است، به این معنی که مرد می تواند قبل از پایان مدت از بقیه زمان صرف نظر کرده و رابطه زوجیت را به پایان برساند و گفته شده که بذل مدت از طرف مرد در نکاح موقت، ایقاع است و نیاز به قبول زن ندارد. (همان)

در ازدواج موقت زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی برند مگر آنکه آن را در متن عقد شرط کرده باشند که در این صورت طبق آنچه شرط شده ارث می برند یعنی اگر شرط شده هر دو از هم ارث ببرند، هر دو از یکدیگر ارث می برند ولی اگر شرط شده فقط زن از مرد یا مرد از زن ارث ببرد، طبق همان شرط عمل می شود. (همان)

در ازدواج موقت به محض این که عقد خوانده شد مرد مهریه را مدیون است. اما اگر مقدار مهر در عقد مشخص شد و مرد بنا به دلایلی قصد پرداخت آن را نداشته باشد عقد آنها صحیح است، ولی مهر را باید بدهد، و اگر نپردازد، کار حرام کرده و شرعاً مدیون و بدهکار است مگر آن که زن مهر خود را ببخشد.

ثبیت نکاح موقت

در تعریف ثبت آمده: «به نوشتن قراردادها، معاملات و چگونگی املاک در دفاتر دولتی (رسمی)، ثبت اطلاق می شود» (شهری، ۱۳۶۵، ص ۳)

مطابق ماده ۱ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ در حوزه هایی که وزارت دادگستری معین می نماید، هر ازدواج و طلاق که واقع شود، باید در یکی از دفاتری که مطابق نظام نامه های دادگستری تنظیم می شود، به ثبت برسد. در صورتی که مجری صیغه ازدواج یا طلاق دارای چنین دفتری نباشد، شوهر مکلف است تا بیست روز پس از وقوع عقد یا طلاق به یکی از کسانی که دارای دفتر فوق الذکر هستند، رجوع کرده و قبالة ازدواج یا طلاق نامه را به ثبت برساند. احتمال تولد فرزندان حاصل ازدواج موقت و آثار بعد از انقضای مدت نکاح بر زوج، ایجاب می نماید که ثبت نکاح موقت همراه با ضمانت اجرا، الزامی گردد.

در این ماده که برای اولین بار ثبت نکاح اجباری شد، به لزوم وقوع نکاح در دفترخانه توجه نگردید و با اشاره به صرف لزوم ثبت نکاح به زوج مهلت داد، پس از اجرای صیغه طلاق یا نکاح در محلی غیر از دفترخانه، نسبت به ثبت آن اقدام نماید. (جعفری نگرودی، ۱۳۵۵، ص ۱۱)

بنابراین قانون، ثبت نکاح را بدون اشاره به نوع آن اجباری نمود، لذا این قانون اختصاصی به عقد نکاح دائم ندارد. آیین نامه مصوب ۱۳۱۱ نیز در ماده ۷ با اشاره به عقد موقت، چگونگی ثبت بذل مدت را مشخص نمود و مقرر داشت: «در مورد عقد انقطاعی در صورتی که

زوج حین مدت بخواهد از بقیه مدت صرف نظر کند، باید نزد صاحب دفتر حاضر شده و بذل مدت در ستون ملاحظات دفتر و ورقه عقدنامه نوشته و به امضای صاحب دفتر و زوج رسانده شود و سوادى از آن توسط اداره ثبت محل برای زوجه ارسال گردد».

قانونگذار قبل از انقلاب اسلامی بدون تفکیک انواع نکاح، عدم ثبت آن را برای زوج و عاقد جرم تلقی کرده بود. در حال حاضر ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی عدم ثبت نکاح دائم را فقط برای زوج جرم محسوب می کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۵، ص ۱۱)

نظرات در مورد حرمت و حلیت ازدواج موقت:

مذاهب اهل سنت، ازدواج موقت را حکمی منسوخ دانسته و آنرا از اصل و ریشه حرام و خلاف شریعت می دانند ولی از نظر فقهای شیعه متعه یا نکاح موقت از احکام ضروری اسلام است که در کتاب و سنت ثابت و در میان مسلمان عمل شده است.

اتفاق عموم علمای اسلام بر این است که ازدواج موقت در آغاز اسلام مشروع بوده و گفت و گو درباره دلالت آیه مربوطه: "و زنانی را که از آنها تمتع می گیرید واجب است که مهرشان را بدهید. و پس از مهر معین، در قبول هر چه هر دو بدان رضا بدهید گناهی نیست. هر آینه خدا دانا و حکیم است" (قرآن کریم، سوره نساء آیه ۲۴)

ابن حزم اندلسی که از فقهای مشهور اهل سنت است در موسوعه فقهی خویش به نام المحلی اذعان دارد که متعه در آغاز اسلام رواج داشته و مشروع بوده است، اما مانند بقیه فقهای اهل سنت آن را منسوخ می داند. (اندلسی، سال، ج ۹، ص ۵۱۹)

مرحوم محقق ثانی نیز می گوید: «پیروان آیین اسلام تماماً اجماع دارند که نکاح منقطع (متعه) در صدر اسلام مشروع بوده است و اهل بیت علیهم السلام نیز بر بقاء جواز آن، اتفاق دارند...». (محقق ثانی، ۱۳۶۹ش، ج ۱۳، ص ۷)

مشروعیت حکم از سنت پیامبر (ص) ثابت شده است و حتی مسلمانان در آغاز اسلام به آن عمل کرده اند ولی پس از پیامبر (ص) عمر ازدواج موقت را حرام اعلام کرد و جمله معروفی که از عمر نقل شده "دو متعه در زمان پیامبر (ص) بود که من آنها را حرام کردم و بر آنها مجازات می کنم، متعه زنان و متعه در حج" (القرطبی ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۷)

دلایل و مبانی فقهی فقهای شیعه:

فقهای که به حلیت ازدواج موقت یا متعه فتوا میدهند، دلایلی بر اثبات دیدگاه و ادعای خود آورده اند که در اینجا مختصراً اشاره می شود:

۱- آیه ۲۴ سوره نساء:

فماستمتعتم به منهن فاتوهن أجورهن. «آن زنانی را که از ایشان بهره میگیرید پس مهر و اجرت شان را بدهید.

شماری از بزرگان صحابه و تابعین که در مودر قرائت، تفسیر و تبیین احکام قرآن کریم کار میکرده اند، این آیه را صریح در خصوص ازدواج موقت یا متعه دانسته و در نسخه ها و مصحف های خود آورده اند. عبد الله بن عباس، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، جابر بن عبدالله، ابو سعید خدری، سعید بن جبیر، مجاهد، سدی، قتاده از جمله افرادی اند که در ذیل آیه یاد شده، آن را صریح در حکم ازدواج متعه بر شمرده اند. (القرطبی ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۷)

- در تفسیر روح المعانی آمده است: و شیعه به همین نظر میل دارند و این آیه یکی از ادله ایشان بر جواز متعه است؛ و استدلال خود را با این مطلب که این آیه در قرائت ابی و ابن عباس "إلی أجل مسمى" بوده است تایید می کنند؛ و کلام در این مطلب مشهور است. ما نیز در این مورد بحثی نداریم که متعه در ابتدا حلال بود سپس حرام شد. (الوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۵)

۲- قرائت بسیاری از بزرگان صحابه:

طبق روایات، بسیاری از بزرگان صحابه و تابعین مانند ابن عباس و ابی بن کعب و مجاهد و سعید بن جبیر و ابن مسعود و سدی و دیگران این آیه را در مورد نکاح موقت می دانند.

با مراجعه به کلمات اصحاب می بینیم که (استمتاع)، حقیقت شرعی برای نکاح موقت است و روایات فراوانی در صحاح اهل سنت و غیر آن وجود دارد که متعه را به عنوان عقد موقت دانسته و آیه متعه را در مورد نکاح موقت می دانند: «این روایت در کتاب مسند احمد که از کتب معتبر عامه است آمده و با صراحت آیه را در مورد متعه می داند و ضمناً معتقد است که نسخ و نهی نشده است و این حکم تا رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله، باقی بود و ما به آن عمل می کردیم». (ابن حنبل، بی تا، ج ۴، ص ۴۲۶)

بنابراین مراد از استمتاع، بیان عقد موقت است، هر چند که برخی از اهل سنت اصرار دارند که معنای لغوی آن، یعنی بهره گیری و تلذذ مراد است ولی این گونه استفاده؛ اولاً، با ظاهر آیه در تعارض است، زیرا لزوم مهر در ازدواج دائم به مجرد عقد است و نیازی به تمتع و تلذذ ندارد. اما در این آیه پرداخت مهریه را مشروط به استمتاع و بهره وری جنسی کرده است، پس مقصود عقد ازدواج دائم نیست.

و ثانیاً با فهم بزرگان اصحاب و تابعین و بالاتر از همه، اهل بیت علیهم السلام به عنوان مفسران اصلی قرآن، در تنافی است. چنانچه یکی از مفسران در این زمینه می گوید: بزرگان اصحاب و تابعین مانند ابن عباس مفسر معروف اسلام، ابی بن کعب، جابر بن عبدالله، عمران حصین، سعید بن جبیر، مجاهد، قتاده، سدی و گروه زیادی از مفسران اهل تسنن و تمام مفسران اهل بیت علیهم السلام تماماً از آیه فوق، حکم ازدواج موقت را فهمیده اند، تا آنجا که فخر رازی با تمام شهرتی که در روحیه شکاک بودن دارد و به امام المشککین معروف است بعد از بحث مشروحو، درباره آیه می گوید: «ما بحث نداریم که از آیه فوق حکم جواز متعه استفاده می شود، بلکه ما می گوئیم حکم مزبور بعد از مدتی نسخ شده است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۳۳۶)

و از همین رو، ابن عباس، ابی بن کعب، سعید بن جبیر، و سدید آیه را چنین قرائت می کردند: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَأَنْتُمْ أَجُورُهُنَّ فَرِيضَةٌ» که به عنوان تفسیر آیه «إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى» تا وقت محدودی را اضافه می کردند تا روشن کنند که مقصود آیه، ازدواج موقت است نه دائم. (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۵۳۱)

۳- روایات وارده:

در خصوص جواز ازدواج موقت، روایات معتبره و متواتر فراوانی داریم که به مواردی اشاره می شود:

الف. از امام باقر علیه السلام نقل شده که در پاسخ شخصی به نام عبدالله بن عمیر لیشی در مورد متعه فرمود: «احلها الله فی کتابه و علی لسان نبیه فهی حلال الی یوم القیامة» «خداوند آن را در قرآن و بر زبان پیامبرش حلال کرده است و آن تا روز قیامت حلال می باشد». (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۱، ص ۶)

ب. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «المتعة نزل بها القرآن و جرت بها السنة من رسول الله صلی الله علیه وآله»؛ «حکم متعه در قرآن نازل شده و سنت پیامبر صلی الله علیه وآله بر طبق آن جاری گردیده است». (همان)

ج. مسلم از طریق عبدالرزاق از ابن جریح از عطا از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که برای بجا آوردن عمره به مکه آمد. نزد او رفتیم و مردم سؤالات چندی پرسیدند. سپس از متعه سؤال کردند. جابر گفت: «آری، ما در زمان پیامبر و ابوبکر و عمر به ازدواج موقت دست می زدیم». نیز از ابن جریح نقل می کند که: «ابو زبیر به من گفت: از جابر بن عبدالله شنیدم که می گفت: ما در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله و ابوبکر، با اندک اجرتی زنان را به ازدواج موقت در می آوردیم تا اینکه عمر به خاطر ماجرای عمر بن حریث آن را منع کرد». (حجاج نیشابوری، ۱۴۱۲ ج ۴، ص ۱۳۱)

د. از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: «احل رسول الله صلی الله علیه وآله المتعة و لم یحرّمها حتی قبض» «پیامبر صلی الله علیه وآله ازدواج موقت را حلال دانسته و تا زنده بود آن را حرام نکرد». (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۱، ص ۸)

بنابر موارد مذکور در می یابیم که اصل مشروع بودن ازدواج موقت در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله قطعی است، و بر این امر، هم آیه داریم و هم روایات و هم سنت پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه علیه السلام و اصحاب و تابعین، که در کتب شیعه و اهل سنت موجود است. و هیچ گونه دلیل قابل اعتمادی درباره تحریم ازدواج موقت، جز نهی عمر از سوی اهل سنت در دست نیست. و بدیهی است که هیچ کس جز پیامبر حق نسخ احکام را ندارد و تنها اوست که می تواند به فرمان خداوند، پاره ای از احکام را نسخ کند، و بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله باب نسخ به کلی مسدود شده است. بنابراین جای هیچ گونه شبهه باقی نمی ماند که آیه ۲۴ سوره نساء درباره ازدواج موقت است زیرا تعبیر استمتاع صریح در متعه است. و در فرهنگ قرآنی ازدواج دائم با تعبیر نکاح یاد شده است. لذا در قرائت عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب (این دو صحابی بزرگ) و... به عنوان تفسیر، عبارت «إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى» اضافه شده است تا هیچ ابهامی باقی نماند که مقصود آیه، ازدواج موقت است.

نظریه نسخ حکم ازدواج موقت

تمام مسلمانان اجماع و اتفاق دارند که چنین نکاحی در اسلام تشریح شده است به طوری که هیچ یک از علماء مذاهب اسلامی (ب) تمام اختلافاتشان) در این مورد اختلافی ندارند. ولی اهل سنت قائل به نسخ این حکم شده اند.

جابر بن عبد الله انصاری می گفت: «ازدواج موقت در میان ما در عهد پیامبر (ص) و در خلافت ابو بکر و نیمی از خلافت عمر، معمول بود سپس عمر از آن نهی کرد». (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۴۳۱)

- در تفسیر ابن کثیر که یکی از تفاسیر قرآن اهل سنت است و ابن کثیر آن را در قرن هشتم نوشته است آمده است:

به این آیه برای اثبات نکاح متعه استدلال شده است؛ و شکی نیست که متعه در ابتدا جایز بوده است و سپس نسخ شده است. (ابن کثیر، ۱۴۲۱، ص ۴۷۵)

اما در این که چگونه نسخ شده است گفته اندناسخ خود قرآن است و گاهی قائل شده اند، ناسخ همان سنت است و شخص پیامبر (ص) متعه را حرام کرده است. (القرطبی ۱۴۱۷ ص ۱۸۴)

عده ای از آنان گفته اند حکم متعه با آیه "إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ" (مؤمنون ۶-۷)

"و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند. تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند. و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند" نسخ شده است.

که در جواب این قول می‌توان گفت: این دو آیه مکی و آیه متعه مدنی است، و آیه ی متقدم (مکی) نمی‌تواند آیه متأخر (مدنی) را نسخ کند. از طرفی متعه یک ازدواج است و زنی که به عقد متعه در می‌آید، زوجه و همسر شخص محسوب می‌شود پس بین دو آیه با آیه متعه تعارضی نیست تا این که قول به نسخ صحیح باشد.

وعده ای آیه میراث را ناسخ حکم متعه دانسته چرا که در متعه میراث نیست.

باید در پاسخ گفت که انتفاء بعضی از آثار، دلالت بر انتفاء موضوع ندارد. مثلاً زنی که تمکین نکند و نازشه باشد نفقه ندارد. با این که نفقه از او نفی شده ولی همسر شخص باقی می‌ماند و سایر احکام و آثار مختص به زوجه بر او جاری می‌شود. یا این که زن کتابی هر گاه با مرد مسلمانی ازدواج کند از او ارث نمی‌برد ولی باقی احکام زوجیت را دارد. (القرطبی ۱۴۱۷ ص ۱۸۴)

ثبت عقود در قرآن

علم ثبت، ریشه در فرهنگ قرآنی دارد. خداوند متعال در آیه ۲۸۲ سوره بقره در خصوص ثبت و کتابت در معاملات و عقود می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا إِنَّ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمِلَ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَلِيَهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّاهِدَةِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشَّاهِدَةُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَعُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّاهِدَةِ...»

این آیه حاوی نکات زیر است:

- ۱- نوشتن قرارداد کتبی در مواردی که مورد نظراین آیه شریفه است امری است مستحب و عمومیت دارد.
- ۲- احکام دقیقی که در این آیه در مورد تنظیم سند، برای معاملات و عقود ذکر شده است، آن هم با ذکر جزئیات در تمام مراحل، در طولانی‌ترین آیه قرآن مجید، بیانگر توجه عمیقی است که قرآن، نسبت به امور مسلمین و نظم کار آنها دارد.
- ۳- تنظیم اسناد در طولانی‌ترین آیه قرآن بعد از بیان احکامی که مربوط به انفاق در راه خدا و همچنین مساله رباخواری بوده آمده است و برای اینکه جلب اطمینان بیشتری شود و قرار داد از مشکلات احتمالی سالم بماند، می‌افزاید: باید نویسنده‌ای از روی عدالت (سند) بنویسد (وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ).
- بنا بر این، این قرار داد باید به وسیله شخص سومی تنظیم گردد و آن شخص عادل باشد.
- ۴- کسی که قدرت بر نویسندگی دارد نباید از نوشتن خودداری کند و همانطور که خدا به او تعلیم داده است باید بنویسد (وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۳۹۲)
- یعنی به پاس این موهبتی که خدا به او داده نباید از نوشتن قرارداد شانه خالی کند، بلکه باید طرفین معامله را در این امر مهم کمک نماید.

- ۵- باید در املاء و اعتراف عدالت را رعایت کند (بالعدل). نه چیزی بیش از حق آنها بگوید و نه به زیان آنها گام بردارد.
- ۶- سپس اضافه می‌کند: علاوه بر این، دو شاهد بگیرید (وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ). و این دو شاهد باید از مردان شما باشند (مِنْ رِجَالِكُمْ). اضافه کردن آن به ضمیر "کم" نشان می‌دهد مخاطب در اینجا گروه مسلمین است.
- ۷- از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما باشند (مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّاهِدَةِ). از این جمله مساله عادل بودن و مورد اعتماد و اطمینان بودن شهود، استفاده می‌شود که در روایات اسلامی نیز به طور گسترده به آن اشاره شده است.
- ۸- یکی دیگر از احکام این باب این است که هر گاه، شهود را (برای تحمل شهادت) دعوت کنند، خود داری ننمایند (وَلَا يَأْبَ الشَّاهِدَةُ إِذَا مَا دُعُوا). بنا بر این تحمل شهادت به هنگام دعوت برای این کار، واجب است. این احتمال نیز داده شده که هم پذیرفتن دعوت برای تحمل شهادت (دیدن واقعه) لازم است، و هم برای ادای شهادت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۳۹۲)

۹- از نوشتن، کوچک یا بزرگی که دارای مدت است ملول و خسته نشوید (و لَا تَسْمُمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ). سپس

می‌افزاید:

این در نزد خدا به عدالت نزدیک‌تر و برای شهادت مستقیم‌تر، و برای جلوگیری از شک و تردید بهتر است (ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا)

در واقع این جمله اشاره به فلسفه احکام فوق در مورد نوشتن اسناد است، می‌گوید: تنظیم اسناد و دقت در آن از یک سو ضامن اجرای عدالت و از سوی دیگر، موجب تقویت و اطمینان شهود به هنگام ادای شهادت و از سوی سوم مانع ایجاد بدبینی در میان افراد جامعه می‌شود. این جمله به خوبی نشان می‌دهد که اسناد تنظیم شده می‌تواند به عنوان شاهد و مدرکی مورد توجه قضات قرار گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص: ۳۹۲)

۱۰- این احتمال نیز وجود دارد که منظور شاهد گرفتن در تمام معاملات و عقود است و به هر حال فقهای شیعه و اهل سنت- جز گروه اندکی- این دستور را یک امر استحبابی می‌دانند نه وجوبی- و مسلم است که معاملات بسیار کوچک روزانه را شامل نمی‌شود.

۱۱- در آخرین حکمی که در این آیه ذکر شده، می‌فرماید: هیچگاه نباید نویسنده سند و شهود (به خاطر بیان حق و عدالت) مورد ضرر و آزار قرار گیرند (وَ لَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَ لَا شَهِيدٌ). که اگر چنین کنید از فرمان خدا خارج شدید (فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ). و به این ترتیب قرآن به کاتبان و شاهدان، مصونیت و امنیت می‌دهد، و مؤکداً از مردم می‌خواهد که متعرض این اقامه کنندگان حق و عدالت نشوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۳۹۲)

ثب ازدواج موقت در چه صورت الزامی است؟

در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و در ماده ۲۱ آن ضمن تأکید بر آنکه نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد به محوریت و استواری روابط خانوادگی، ازدواج دائم را مبنای تشکیل خانواده می‌داند، نکاح موقت را بر اساس احکام شریعت و قانون مدنی ایران جایز دانسته و در سه حالت ثبت آن را الزامی می‌داند که عبارت از باردار شدن زوجه، توافق طرفین و یا شرط ضمن عقد می‌باشد. در ماده ۵۱ آن عدم ثبت در این شرایط را مشابه عدم ثبت ازدواج دائم مشمول احکام کیفری برمی‌شمارد. در این قانون تأکید شده که ازدواج موقت نیاز به ثبت در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق ندارد مگر اینکه ارتباط زن و مرد منجر به بارداری شده باشد یا در ازدواج موقت، شرط، ثبت ازدواج باشد. (محدث، ۱۳۹۳، ماده ۲۱ آئین نامه اجرایی)

پیش از تصویب این قانون فرزندان وجود داشتند که حاصل ازدواج های موقت ثبت نشده بودند و توافقی هم در این رابطه نشده بود در نتیجه این فرزندان تا سن دبستان و یا بالاتر رشد کرده بودند و به خاطر اینکه شناسنامه ای نداشتند و معمولاً هم پدر این خانواده را ترک کرده بود، لذا این کودکان بدون هویت می‌ماندند و دچار مشکل می‌شدند. در این قانون آمده که اگر بارداری صورت بگیرد و فرزندی در کار باشد ازدواج موقت الزاماً باید ثبت شود و این خلا قانونی مرتفع می‌شود. با ثبت قانونی ازدواج موقت، فرزند حاصل از این ازدواج علاوه بر داشتن هویت و شناسنامه می‌تواند از پدر خود هم ارث ببرد.

عدم اجبار قانون‌گذار در گذشته بر ثبت ازدواج موقت منجر به این شده بود که در بسیاری از موارد ازدواج موقت ثبت نشده و زنان در صورت بارداری با مشکل جدی به‌عنوان اثبات نسب کودکان روبه‌رو شوند. این زنان برای گرفتن شناسنامه فرزندان هیچ مدرکی برای اثبات هویت فرزند ندارند.

در بسیاری از موارد زنان نمی‌توانند ثابت کنند که فرزندان حاصل ازدواج موقت است و در موارد متعدد مردان چون مخفیانه ازدواج موقت کرده‌اند، به محض اینکه متوجه بارداری همسرشان می‌شوند، رابطه را قطع می‌کنند.

در قانون جدید حمایت خانواده با توجه به مشکلات متعدد در زمینه ازدواج موقت قانون‌گذار بالاخره به این نتیجه رسید که اگر نکاح موقت ثبت نشود، امکان سوءاستفاده وجود دارد و ممکن است برای افرادی که به دلایل شرعی تن به این ازدواج‌ها می‌دهند، مشکلاتی ایجاد شود، اما وقتی نکاح موقت ثبت و ضبط شده باشد، کسی نمی‌تواند برای آنها مزاحمتی ایجاد کند؛ نه تنها از نظر شرعی، بلکه به لحاظ عرفی و قانونی نیز افراد احساس امنیت و آرامش خواهند کرد و وضعیت شناسنامه و هویت فرزندان آنها نیز به راحتی مشخص خواهد شد؛ لذا قانونی را برای الزام ثبت ازدواج موقت با شرایط خاص به تصویب رساند.

ثب ازدواج موقت در قانون قبل، قابلیت اجرا داشت، اما در قانون جدید حمایت خانواده، لازم‌الاجرا شده است. (اسدی، ۱۳۸۷، ص ۸)

نتیجه گیری

نکاح موقت از جمله احکام فقهی و حقوقی در موضوع ازدواج می باشد، که از دیر باز مورد مناقشه بوده است هر چند تمامی فرق مسلمانان اتفاق دارند که در شریعت اسلام ازدواج موقت حلال و مورد تأیید رسول خدا(ص) بوده است، اما فقیهان مذاهب چهارگانه باور دارند، این حکم بعدها نسخ و از میان برداشته شده است. در مقابل، فقیهان امامی اصرار دارند که نسخی در کار نبوده و حکم هم چنان به قوت خود باقی است. هر گروه برای اثبات مدعای خود دلایلی ذکر نمودند که به نظر میرسد اگر قرار بر نسخ حکمی باشد کسی جز پیامبر(ص) شایستگی این کار را ندارد و از آنجا که ائمه اطهار به سیره پیامبر(ص) عمل می کردند، پس نسخی در کار نبوده است.

در خصوص ثبت نکاح موقت باید گفت: طبق تأکیدی که اسلام از سویی به رعایت کتابت و مستند سازی عقود داشت و از سویی دیگر دقتی که بر رعایت حقوق افراد در این خصوص اعمال می شد امر ثبت را گسترده تر کرده است چرا که رعایت حقوق افراد ایجاب می کند که عقود ثبت گردد و عقد نکاح مستثنی از این موضوع نیست در کنار احادیث و رفتار معصومین و شخص پیامبر(ص) بر حفظ حقوق مردم قرآن کریم در آیه ۲۸۲ سوره بقره به صراحت بر لزوم ثبت عقود تأکید کرده است عقد نکاح موقت نیز حقوقی را برای زوجین همچنین برای فرزند حاصل از این ازدواج ایجاد می کند که حفظ و رعایت آن لزوم ثبت آنرا می طلبد.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده شماره ۳/۱۰۰/۷۲۶۰۳/۹۰۰۰/ماده ۲۱، محدث، محسن، ۱۳۹۳
- [۳] تفسیر ابن کثیر، ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر، ۱۴۲۱ ه ق، قاهره، موسسه قرطبه
- [۴] تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول، تهران
- [۵] تفسیر و المفسرون، هادی، معرفت، محمد، مشهد، الجامعۃ الرضویه للعلوم الاسلامیه، چاپ اول،
- [۶] جامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، قرطبی، محمد بن احمد، بی تا، بیروت، دارالفکر.
- [۷] جامع المقاصد فی شرح القواعد، محقق ثانی، علی بن الحسین، ۱۳۶۹ ش، ناشر آل البيت (ع)، قم
- [۸] حقوق ثبت، شهری، غلامرضا، ۱۳۹۵، نشر جهاد دانشگاهی، واحد علامه طباطبایی، تهران
- [۹] حقوق ثبت مدخل، رازانی، بهمن، ۱۳۷۹، چاپ اول، ناشر اساطیر، تهران
- [۱۰] حقوق ثبت، جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۵۵ ش، نشر مؤلف، تهران
- [۱۱] درسنامه فقه مقارن ضمیری، محمد رضا، ۱۳۸۴، مؤسسه آموزشی - پژوهشی مذاهب اسلامی، قم
- [۱۲] دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲، نشر: میزان، تهران
- [۱۳] روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، آلوسی، محمود بن عبد الله، ۱۴۱۵ ق، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- [۱۴] روضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، مکی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، بی تا، موسسه الاعلمی، بیروت
- [۱۵] صحیح مسلم، حجاج نیشابوری، مسلم، ۱۴۱۲ ق، دار الحدیث، قاهره
- [۱۶] فرهنگ ثبتی، اسکافی، نادر، ۱۳۸۲ ش، نشر دادگستر، تهران
- [۱۷] قاموس المحيط، فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، دارالکتب العلمیه، بیروت
- [۱۸] مختصر حقوق خانواده، صفائی، حسین و امامی، اسدالله، ۱۳۸۹، نشر: سیمیا، تهران
- [۱۹] مسند، ابن حنبل، احمد، بی تا، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- [۲۰] معتبر فی شرح المختصر النافع، محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۳۸۶، نشر بوستان، قم
- [۲۱] المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق. دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، قم
- [۲۲] نقد و بررسی قوانین ثبت ازدواج، اسدی، لیلا سادات، ۱۳۷۸، بی جا
- [۲۳] نکاح و طلاق در مذاهب پنج گانه اسلامی، شمس الدین، محمد جعفر، ۱۳۹۱ تهران، چاپ اول، نشر خرسندی
- [۲۴] وسائل الشیعة، حرّ عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ ق، آل البيت لإحياء التراث، قم